سرآمد اقتصاد

چهارشنبه- ۴ آذر ۱۴۰۵- سال دوازدهم- شماره ۲۶۴۴

گفت وگو

معاون صید و بنادر ماهیگیری سازمان شیلات ایران به سرآمد می گوید:

نمایشگاه شیلات؛ فرصتی برای معرفی فناوری‌های نوین و توسعه صادرات محصولات دریایی



معاون صید و بنادر ماهیگیری سازمان شیلات ایران، نمایشگاه بین‌المللی شیلات را فرصتی برای توسعه تعاملات تخصصی، معرفی ظرفیت‌ها و دستاوردهای صنعت شیلات و انتقال فناوری‌های نوین دانست و گفت: برگزاری این نمایشگاه در سال‌های اخیر نقش مؤثری در ارتقای فناوری صید، نوسازی ناوگان صیادی و توسعه صادرات محصولات دریایی داشته است.

عطاالله رئیسی در گفت‌وگو با اقتصاد سرآمد با اشاره به اهمیت برگزاری نمایشگاه بین‌المللی شیلات اظهار کرد: نمایشگاه باید به‌عنوان فرصتی مهم برای توسعه تعاملات تخصصی، معرفی ظرفیت‌ها و دستاوردهای صنعت شیلات کشور و ایجاد ارتباط مؤثر میان فعالان این حوزه مورد توجه قرار گیرد.

معاون صید و بنادر ماهیگیری سازمان شیلات ایران، افزود: برگزاری این رویداد در دوره‌های مختلف، دستاوردهای مهمی برای صنعت شیلات کشور به همراه داشته است؛ یکی از مهم‌ترین نتایج آن، انتقال فناوری‌های نوین در حوزه صید و بهره‌گیری از دانش و تجربیات کشورهای پیشرو در این صنعت است.

وی با اشاره به تغییر رویکرد در بهره‌برداری از گونه‌های مختلف آبزیان تصریح کرد: در سال‌های گذشته برخی گونه‌های ماهی به دلیل نداشتن بازار مصرف، دورریز محسوب می‌شدند، اما امروز با توسعه فناوری‌های فرآوری و ایجاد بازارهای جدید، همین محصولات در کشورهای مختلف از جمله هند، چین، تایوان، تایلند، مالزی و ژاپن مورد توجه قرار گرفته و حتی پیش‌خرید می‌شوند؛ این تحول حاصل توسعه فناوری‌های نوین صید و تغییر نگاه به ظرفیت‌های منابع آبزی است.

رئیسی در ادامه گفته های خود خاطرنشان ساخت: نمایشگاه شیلات این فرصت را فراهم می کند تا صیادان و فعالان این صنعت با فناوری‌ها و روش‌های جدید آشنا شوند و ظرفیت‌های موجود برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی و صادراتی را بهتر بشناسند.

وی توسعه صنایع تولید شناور، معرفی ابزار و ادوات تخصصی صید، نوسازی ناوگان صیادی و ارتقای بهره‌وری عملیات صید را از دیگر محورهای مهم این رویداد برشمرد و گفت: برای نمونه، تا حدود ۱۰ سال پیش صید با قلاب در برخی بخش‌های ناوگان صیادی کشور جایگاه چندانی نداشت، اما امروز توسعه این روش، امکان عرضه ماهی تازه‌خوری با کیفیت بالاتر را فراهم کرده است؛ این محصولات از نظر کیفیت و ارزش صادراتی نیز تفاوت قابل توجهی با محصولات حاصل از روش‌های سنتی صید دارند.

معاون صید و بنادر ماهیگیری سازمان شیلات ایران با اشاره به تحولات ناوگان صیادی کشور بیان کرد: طی سال‌های اخیر، بخشی از ناوگان سنتی به سمت صنعتی‌شدن حرکت کرده است؛ افزایش قدرت موتور، بهبود ابعاد و ساختار شناورها و ارتقای استحکام آنها از جمله اقداماتی بوده که امکان حضور ایمن‌تر و مؤثرتر شناورها در آب‌های فراساحلی و افزایش مدت فعالیت صیادی در طول سال را فراهم کرده است.

«سرآمد» تحلیل می‌دهد؛

شکست حصر ایران

از دیپلماسی اقتصادی تا قدرت ملی



گروه تحلیل - مرتضی فاخری - مواجهه با محاصره اقتصادی و محدودیت‌های تجاری، صرفاً یک مسئله مالی یا بازرگانی نیست، بلکه موضوعی چندبُعدی است که ابعاد سیاسی، دیپلماتیک، اجتماعی، امنیتی و ژئوپلیتیکی را در بر می‌گیرد. در چنین شرایطی، توانایی یک کشور برای حفظ جریان تجارت خارجی، تأمین کالاهای اساسی، دسترسی به منابع مالی، استمرار فعالیت‌های تولیدی و صیانت از رفاه عمومی، به یکی از شاخص‌های مهم قدرت ملی تبدیل می‌شود. ایران نیز به دلیل موقعیت راهبردی، ظرفیت‌های انرژی، دسترسی به آب‌های آزاد، هم‌جواری با ۱۵ کشور و برخورداری از منابع انسانی و صنعتی قابل توجه، با مجموعه‌ای از فرصت‌ها و محدودیت‌ها در مواجهه با فشارهای خارجی روبه‌رو است. از این منظر، مسئله شکست حصر ایران را نباید صرفاً در چارچوب یافتن مسیرهای جایگزین برای واردات و صادرات تعریف کرد؛ بلکه ضرورت دارد این موضوع به‌عنوان یک راهبرد جامع برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی، گسترش ارتباطات بین‌المللی و افزایش تاب‌آوری اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

نخستین بُعد این راهبرد، به ابتکارات سیاسی و دیپلماسی اقتصادی مربوط می‌شود. در شرایطی که محدودیت‌های مالی و تجاری می‌توانند دسترسی کشورها به بازارهای جهانی را دشوار کنند، توسعه روابط اقتصادی با همسایگان و قدرت‌های نوظهور، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. سیاست خارجی در این چارچوب باید از سطح مناسبات سیاسی و توافق‌های کلی فراتر برود و به ابزاری برای ایجاد منافع اقتصادی مشترک تبدیل شود.

در این میان، همسایگان ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. عراق، ترکیه، امارات متحده عربی، پاکستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی می‌توانند در قالب شبکه‌ای از همکاری‌های تجاری، ترانزیتی و صنعتی، بخشی از فشارهای ناشی از محدودیت‌های خارجی را تعدیل کنند. آمار تجارت غیرنفتی ایران در سال مالی ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که چین، عراق، امارات و ترکیه از مهم‌ترین مقاصد صادراتی کشور بوده‌اند و مجموع سهم این ۴ کشور از صادرات غیرنفتی ایران به حدود ۶۰ ۷ درصد رسیده است. این ارقام، در کنار اهمیت بازارهای منطقه‌ای، یک واقعیت دیگر را نیز آشکار می‌کند: تمرکز بالای تجارت بر تعداد محدودی از شرکای اقتصادی، خود می‌تواند نوعی آسیب‌پذیری ایجاد کند. بنابراین، راهبرد گسترش روابط منطقه‌ای باید هم‌زمان با متنوع‌سازی شرکای تجاری در آفریقا، آمریکای لاتین، شرق آسیا و سایر بازارهای نوظهور دنبال شود.

یکی دیگر از ابتکارات اساسی، تقویت جایگاه ایران در شبکه‌های ترانزیتی و کریدورهای بین‌المللی است. موقعیت جغرافیایی کشور میان آسیای مرکزی، قفقاز، خلیج فارس، دریای عمان و آب‌های اقیانوس هند، ظرفیت قابل توجهی برای تبدیل ایران به حلقه اتصال مسیرهای تجاری منطقه‌ای فراهم کرده است. توسعه کریدور شمال ـ جنوب، تکمیل زیرساخت‌های ریلی، ارتقای ظرفیت بنادر جنوبی و شمالی، تقویت اتصال بندر چابهار به شبکه حمل‌ونقل داخلی و گسترش همکاری با کشورهای هم‌مسیر، می‌تواند وابستگی به مسیرهای محدود تجاری را کاهش دهد. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم قدرت اقتصادی کشورها تنها به میزان تولید و صادرات آنها وابسته نیست، بلکه توانایی انتقال کالا، خدمات و سرمایه نیز بخشی از قدرت اقتصادی محسوب می‌شود. البته برخورداری از مسیر جغرافیایی به‌تنهایی مزیت ایجاد نمی‌کند؛ سرعت حمل‌ونقل، هزینه ترانزیت، کیفیت خدمات بندری، هماهنگی گمرکی و امنیت سرمایه‌گذاری تعیین می‌کنند که آیا این ظرفیت به درآمد و نفوذ اقتصادی تبدیل خواهد شد یا خیر.

در کنار دیپلماسی اقتصادی، اصلاح ساختارهای داخلی نیز از الزامات اصلی کاهش آثار محاصره است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که اتکای بیش از اندازه به درآمدهای نفتی، وابستگی به واردات مواد اولیه و تجهیزات راهبردی، ضعف بهره‌وری و ناپایداری مقررات اقتصادی، آسیب‌پذیری کشور را در برابر فشارهای خارجی افزایش می‌دهد.

بُعد دیگری که در راهبرد شکست حصر اهمیت دارد، ابتکارات مردمی و اجتماعی است. هیچ سیاست اقتصادی در شرایط فشار خارجی، بدون مشارکت جامعه و برخورداری از اعتماد عمومی، نمی‌تواند به نتایج پایدار دست یابد. مردم صرفاً دریافت‌کنندگان پیامدهای سیاست‌های اقتصادی نیستند، بلکه صاحبان ظرفیت‌هایی هستند که می‌توانند در حفظ فعالیت‌های تولیدی، استمرار خدمات عمومی و تقویت شبکه‌های اقتصادی نقش‌آفرینی کنند. حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط، توسعه تعاونی‌های تولیدی و توزیعی، تقویت کسب‌وکارهای محلی، مشارکت تشکل‌های صنفی و حرفه‌ای و استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد، از جمله اقداماتی است که می‌تواند توان اقتصادی جامعه را افزایش دهد. در این چارچوب، شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی باید به‌جای اتکا به اقدامات مقطعی و واکنشی، در قالب برنامه‌های سازمان‌یافته و قابل ارزیابی فعالیت کنند.

نقش ایرانیان خارج از کشور نیز در این زمینه قابل توجه است. بخش مهمی از ظرفیت علمی، تخصصی، تجاری و سرمایه‌ای ایران در خارج از مرزها قرار دارد. ایجاد سازوکارهای شفاف برای مشارکت این ظرفیت‌ها در پروژه‌های تولیدی، انتقال دانش فنی، توسعه صادرات، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های علمی می‌تواند بخشی از محدودیت‌های موجود را جبران کند. تحقق این هدف مستلزم ایجاد اعتماد، تضمین حقوق سرمایه‌گذاران، کاهش موانع اداری و فراهم‌کردن بسترهای حقوقی مناسب است. همچنین، دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و شرکت‌های فناور می‌توانند با توسعه همکاری‌های علمی و صنعتی، در کاهش وابستگی به فناوری‌های حساس خارجی نقش مؤثری ایفا کنند. در واقع، سرمایه اجتماعی و دانش تخصصی زمانی به مزیت ملی تبدیل می‌شوند که امکان مشارکت مؤثر و برخورداری از منافع آن برای فعالان اقتصادی فراهم باشد.

در سطح اجتماعی، مدیریت آثار فشارهای اقتصادی بر زندگی خانوارها نیز اهمیت اساسی دارد. افزایش هزینه‌های زندگی، کاهش قدرت خرید، دشواری تأمین برخی داروها و تجهیزات پزشکی و نااطمینانی نسبت به آینده اقتصادی، می‌تواند اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد.

بازخوانی تجربه کشورهای دیگر نیز می‌تواند ابعاد تازه‌ای از این مسئله را روشن کند. تجربه کوبا، روسیه، آفریقای جنوبی و حتی خود ایران نشان می‌دهد که هیچ الگوی واحدی برای مقابله با تحریم و محدودیت‌های اقتصادی وجود ندارد و نتایج سیاست‌ها به ساختار اقتصاد، کیفیت حکمرانی، شرایط بین‌المللی و میزان حمایت اجتماعی وابسته است. کوبا در طول چند دهه محدودیت اقتصادی، بر توسعه خدمات بهداشتی و آموزشی، تقویت ظرفیت‌های داخلی و گسترش روابط با شرکای خارجی تمرکز کرد. این کشور توانست در برخی حوزه‌های خدمات عمومی و پزشکی ظرفیت‌های قابل توجهی ایجاد کند.

روسیه نیز پس از گسترش تحریم‌های غرب در سال ۲۰۲۲، سیاست‌هایی مانند جایگزینی واردات، توسعه روابط تجاری با آسیا، تغییر مسیر صادرات انرژی و تقویت شبکه‌های مالی داخلی را دنبال کرد. این اقدامات امکان حفظ بخشی از فعالیت‌های اقتصادی و تجاری این کشور را فراهم آورد، اما هزینه‌های ناشی از محدودیت‌های فناوری، مالی و سرمایه‌گذاری همچنان بر بخش‌هایی از اقتصاد آن اثرگذار بوده است. تجربه روسیه از این جهت برای ایران اهمیت دارد که نشان می‌دهد تغییر جغرافیای تجارت و یافتن بازارهای جایگزین، زمانی اثربخش خواهد بود که با توان تولید داخلی، دسترسی به فناوری و زیرساخت‌های مناسب همراه شود. در مقابل، تجربه آفریقای جنوبی در دهه ۱۹۸۰ نشان داد که فشارهای اقتصادی و تجاری بین‌المللی، در صورت همراهی با تحولات داخلی و افزایش مخالفت‌های اجتماعی با ساختار سیاسی حاکم، می‌توانند پیامدهای سیاسی گسترده‌ای داشته باشند. این نمونه‌ها ضرورت بررسی هم‌زمان ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تحریم‌ها را آشکار می‌کنند

یکی از مهم‌ترین درس‌های این تجربیات، ضرورت پرهیز از نگاه یک‌جانبه به مفهوم مقاومت اقتصادی است. مقاومت اقتصادی به معنای قطع ارتباط با جهان، محدودکردن واردات به هر قیمت یا جایگزینی تجارت رسمی با روش‌های پرهزینه و غیرشفاف نیست. برعکس، کشوری که در شرایط فشار خارجی بتواند روابط تجاری خود را متنوع کند، به بازارهای جدید دسترسی پیدا کند، از سرمایه‌گذاری خارجی بهره ببرد و هم‌زمان ظرفیت‌های تولیدی داخلی را ارتقا دهد.

از سوی دیگر، ابتکارات حقوقی و دیپلماتیک نباید از دستور کار خارج شوند. استفاده از ظرفیت سازمان ملل متحد، مجامع بین‌المللی، نهادهای تجاری و سازوکارهای حل اختلاف، می‌تواند زمینه طرح آثار انسانی و اقتصادی محدودیت‌های یک‌جانبه و پیگیری حقوق کشور را فراهم کند. تفکیک تحریم‌های مصوب شورای امنیت از اقدامات یک‌جانبه دولت‌ها، بررسی آثار فرامرزی محدودیت‌های مالی و بانکی و پیگیری استثناهای بشردوستانه، از جمله موضوعاتی است که به دیپلماسی حقوقی مستمر نیاز دارد. همچنین، ایجاد کانال‌های شفاف برای تجارت دارو، تجهیزات پزشکی و کالاهای اساسی باید به‌گونه‌ای دنبال شود که موانع بانکی و حمل‌ونقل، دسترسی مردم به نیازهای ضروری را مختل نکند.

سخن آخر آنکه، شکست حصر ایران را باید فرآیندی چندلایه و بلندمدت دانست که تحقق آن به هماهنگی میان سیاست خارجی، مدیریت اقتصادی، ظرفیت‌های اجتماعی و اصلاحات نهادی وابسته است. گسترش روابط با همسایگان، فعال‌سازی کریدورهای تجاری، متنوع‌سازی بازارهای صادراتی، تقویت تولید رقابت‌پذیر، مشارکت ایرانیان خارج از کشور و افزایش شفافیت اقتصادی، اجزای مکمل یک راهبرد جامع هستند. در این مسیر، دولت باید به‌جای تمرکز صرف بر مدیریت بحران‌های مقطعی، زمینه فعالیت بخش خصوصی، رقابت سالم، سرمایه‌گذاری مولد و مشارکت اجتماعی را فراهم کند. آنچه می‌تواند فشار خارجی را به فرصتی برای بازآرایی ظرفیت‌های ملی تبدیل کند، صرفاً برخورداری از منابع طبیعی یا موقعیت جغرافیایی نیست، بلکه توانایی تبدیل این مزیت‌ها به قدرت اقتصادی پایدار است. ایران زمانی خواهد توانست آثار محاصره و تحریم را به‌صورت معنادار کاهش دهد که از اقتصاد متکی بر مسیرهای محدود و تصمیم‌های کوتاه‌مدت به سمت اقتصادی متنوع، شفاف، رقابت‌پذیر و متصل به شبکه‌های منطقه‌ای و جهانی حرکت کند؛ اقتصادی که در آن، تاب‌آوری ملی نه با تحمل مستمر هزینه‌ها، بلکه با افزایش توان تولید، رفاه عمومی و قدرت انتخاب در مناسبات بین‌المللی سنجیده شود.